

طیبستی شاعرانه سر کردم
ترش و شیرین بیکدیگر کردم
جد و هزلی بیکدیگر یارست
گر نه نیک است باب بازار است
نه هنر توی و سخنرانیست
که خیالات مرد زندانی است

۱۰ - جای فریاد و استغاثه و آه
فکر آشفته را گشادم راه
نام او « کارنامه زندان »
مایه عبرت خردمندان (۱)

وترجمتها :

- عندما ثبت إلى رشدي بعد النوم ، بدأت أسترجع حديث مرشدي وملهمي .
- فقلت : هكذا يكون تفسير الحلم والنام ، وهو الإسراع بمغادرة طهران .
- ولكي أكون جديراً بستائي ، وأعيد الحياة من جديد إلى المعارف القديمة ،
- فقد طلبت العون من أستاذ الجميع ، وسألت الممدد من هادي السبل .

۱ - دیوان ملك الشعراء بهار ، ج ۲ ، ص : ۳۱